

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۷۰

### امام رضا علیه السلام در منابع صوفیه تا قرن هفتم هجری

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۱

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۱۶

منصور داداش نژاد \*

محمد دهقانی زاده \*\*

امامان شیعه، از جمله امام رضا علیه السلام، نزد گروه‌های مختلف صوفی همواره از جایگاه والایی برخوردار بوده‌اند و از آن‌ها در سلسه بزرگان و اقطاب صوفیه و نیز به عنوان نمونه‌هایی کامل برای پیروی یاد شده است. یادکرد امام رضا علیه السلام در منابع صوفیه را که دارای روندی روبه‌رشد بوده، می‌توان به دو دوره متمایز پیش از قرن هفتم هجری و پس از آن، تقسیم نمود. توجه به شرح حال امام علیه السلام در دوره نخست، محدود به ذکر چند خبر و روایت است؛ ولی در دوره دوم، ابعاد سیاسی زندگی آن حضرت، کرامات و زیارت ایشان نیز مورد توجه قرار گرفته است.

این نوشتار، با مراجعه به کهن‌ترین نگارش‌های صوفیه، به بررسی چرایی و چگونگی راه‌یافتن نام و اخبار امام رضا علیه السلام در منابع اهل تصوف و سیر تطور آن در هفت قرن نخست هجری پرداخته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، صوفیان از قرن هفتم به بعد، به دلیل نیاز به پیوند با شیعیان، توجه

\* دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رایانامه: m.dadash@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران، رایانامه: dehghanizadem@gmail.com

گسترده‌تری را به امام نشان داده‌اند؛ اما تا پیش از آن، تنها به جهت فرهمندی و ویژگی‌های امام علیه السلام، به ایشان توجه کرده‌اند.

**کلیدواژگان:** امام رضا علیه السلام، صوفیه، تصوف، تذکره‌های صوفیانه، قرن هفتم هجری.

### مقدمه

منابع اهل تصوف، بر شرح حال‌نگاری بزرگان و اولیای خویش تأکید بسیاری داشته‌اند و بدین وسیله، راه رستگاری و الگوهای موفق را به مریدان نشان می‌دهند. صوفیان از طریق حکایت‌های مردان و زنان بزرگ دینی و مشایخ بنام تصوف، به مریدان می‌آموزند که باید به چه چیزهایی معتقد شوند، به چه آرمان‌های اخلاقی پایبند باشند و از چه قواعدی در سیروسلوک پیروی کنند تا سرانجام به رستگاری برسند. پرداختن به شرح حال بزرگان که با گرایش «تاریخ ارشادی»<sup>۱</sup> در منابع اهل تصوف تدوین می‌شود، از همان قرون اولیه نگارش منابع، مورد توجه قرار گرفته است. داستان‌ها و حکایت‌های شبیه‌تاریخی مندرج در این منابع، هم‌زمان با شکل‌گیری مذهب اهل تصوف در قرن سوم به تدریج پدید آمد.<sup>۲</sup> صوفیه، داستان‌های انبیا، پیامبر، صحابه و اهل بیت علیهم السلام را کم‌وبیش به همان صورتی که در میان عموم اهل سنت و جماعت وجود داشت، پذیرفتند و از آن تفاسیر باطنی نیز ارائه دادند. داستان‌های مشایخ و حکمای صوفیه از قرن‌های دوم و سوم به تدریج در محافل و مجالس صوفیان نقل می‌شد و در قرن‌های چهارم و پنجم وارد آثار مکتوب تصوف گردید.<sup>۳</sup>

هم‌زمان با تبدیل آموزه‌های شفاهی صوفیان به کتاب و شکل‌گیری مکتبی با نام «تصوف»، نام ائمه شیعیان نیز وارد این آثار شد؛ اما چنین نبود که در همان آثار نخست، بتوان اسامی همه امامان را یافت؛ بلکه این امر، از اولین امامان آغاز شد و به تدریج گسترش یافت.<sup>۴</sup>

سیر تطور یادکرد از امام رضا علیه السلام در هفت قرن اول که به صورت مختصر بود، در دوره‌های بعدی شکل مفصل‌تری به خود گرفت. انتخاب هفت قرن اول هجری در این نوشتار، بدین جهت است که زمان یادشده، دربردارنده آثاری است که در آن‌ها از امام رضا علیه السلام به اختصار و تنها در قالب یک داستان پندآموز یا سند چند روایت یاد شده است؛ اما بعد از این دوره و تقریباً هم‌زمان با انشعاب تصوف به «طریقه‌های مختلف، و همچنین نزدیک‌شدن تصوف به تشیع، یادکرد از امام رضا علیه السلام نیز مفصل‌تر گردید و از مطالب چند سطر *تهذیب الأسرار* خرگوشی (م ۴۰۷ق)<sup>۵</sup> و *طبقات الصوفیه* سلمی (م ۴۱۲ق)<sup>۶</sup>، به بخش‌های چندصفحه‌ای *فصل الخطاب* خواجه محمد پارسا (م ۸۲۲ق)<sup>۷</sup> و *سواهد النبوة* جامی (م ۸۹۸ق)<sup>۸</sup> افزایش یافت.

اصلی‌ترین سؤالی که این نوشتار در صدد است به آن پاسخ گوید، این است که روند یادکرد از امام رضا علیه السلام در آثار صوفیه هفت قرن اول هجری چگونه است؟ در حقیقت، نام امام علیه السلام از چه زمانی وارد آثار صوفیه شد و سیر تطور ذکر نام ایشان به چه شکل ادامه یافت؟

درباره زندگی امام رضا علیه السلام در منابع اهل تصوف، پژوهش مستقلی به انجام نرسیده و تنها برخی کتب و مقالات که به بررسی ابعاد شخصیتی امام رضا علیه السلام یا معروف کرخی و یا ارتباط تشیع و تصوف پرداخته‌اند، به صورت ضمنی و مختصر در این باره سخن گفته‌اند. قاسم طهرانی در کتاب خود، *معروف الکرخی تلمیذ الامام الرضا علیه السلام و استاذ العرفاء*، به بررسی کامل ماجرای معروف کرخی (م ۲۰۰ق) پرداخته و نظر مثبت خویش را در مورد دیدار معروف کرخی با امام رضا علیه السلام بیان کرده است.<sup>۹</sup> کامل مصطفی شیبی نیز در دو کتاب *الصلة بین التصوف والتشیع والتشیع والتصوف*، از ماجرای معروف کرخی به عنوان یکی از زمینه‌های پیوند تشیع و تصوف یاد می‌کند.<sup>۱۰</sup> منوچهر صدوقی سه‌ها در مقاله «نسبت سلسله‌های صوفیه با ائمه آل‌البیت علیهم السلام»، ارتباط بزرگان صوفیه با ائمه اهل بیت علیهم السلام را زیر سؤال برده است.<sup>۱۱</sup> حسن ذوالفقاری نیز در مقاله «معروف کرخی»، به

بررسی ماجرای کرخی پرداخته و در نهایت، صحت آن را نپذیرفته است.<sup>۱۲</sup> شاید مقاله «امام رضا علیه السلام و جریان تصوف و عرفان»، نزدیک‌ترین مقاله به این نوشتار باشد که ضمن بررسی نسبتاً مفصل زندگی معروف کرخی و تأیید ارتباط او با امام رضا علیه السلام، از ارتباط برخی محدثان صوفی مانند محمدبن اسلم طوسی (م ۳۴۲ق)<sup>۱۳</sup> با امام نیز یاد کرده است.<sup>۱۴</sup>

با این همه، هیچ‌یک از این آثار، رسالت اصلی این مقاله را که پیگیری ورود و سیر تطور اخبار امام رضا علیه السلام در منابع اهل تصوف در هفت قرن اول هجری است، دنبال نکرده‌اند و نهایتاً، به بررسی ارتباط امام با برخی بزرگان صوفیه پرداخته‌اند و در خصوص اقبال جریان‌های صوفی به امام، آن هم بعد از حیات ایشان، سخنی به میان نیاورده‌اند.

#### شرح حال امام رضا علیه السلام در منابع اهل تصوف

سخنان و تعالیم امامان، الهام‌بخش صوفیان نخستین بود و برخی از این سخنان، در کهن‌ترین منابع تصوف درج شده است؛ چنان‌که ارتباط‌هایی میان ائمه شیعه و بزرگان صوفیه در کتاب‌های ایشان منعکس است. نمونه آن، پیوند میان امام کاظم علیه السلام و برخی بزرگان صوفیه مانند شقیق بلخی (م ۱۹۴ق) و بشر حافی (م ۲۲۷ق) است.<sup>۱۵</sup> همچنین، در مورد امام رضا علیه السلام، کتب صوفیه در ارتباط‌دادن بین معروف کرخی و آن حضرت، بسیار کوشیده‌اند و این مطلب در کتب فراوانی بازتاب یافته است. به طور کلی، آثار صوفیانی را که ذکری از امام رضا علیه السلام در آن‌ها به چشم می‌خورد، می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد: الف. آثاری که در آن‌ها از امام به صورت گذرا یاد شده است. این کتاب‌ها، از امام در ضمن یکی از اولیای صوفیه و گاهی در ضمن راویان برخی روایات اخلاقی نام برده‌اند. عمده این آثار، مربوط به هفت قرن اول هجری است.

ب. کتاب‌هایی که با اختصاص بخش مجزایی برای امام رضا علیه السلام، مطالب مفصل‌تری را با محوریت حضرت مطرح کرده‌اند. نگارش این کتاب‌ها، از قرن هفتم آغاز شد و در

قرون بعدی، روند گسترش و تکامل را پیمود که نمونه آن، کتاب *شواهد النبوة لتقویة یقین أهل الفتوة عبدالرحمن جامی* (م ۸۹۸ق) است.<sup>۱۶</sup>

با توجه به دامنه زمانی این مقاله که بررسی منابع هفت قرن اول هجری است، تنها به بررسی کتاب‌های گروه نخست بسنده خواهد شد. این گروه از کتاب‌ها که عمدتاً توسط پیشگامان اهل تصوف نگارش یافته، از امام رضا علیه السلام به صورت مستقل نام نبرده‌اند؛ بلکه در ضمن شرح حال و حکایت، یا به عنوان راوی یک حدیث در سلسله روایت، یا به عنوان گوینده آن روایت، به حضرت اشاره کرده‌اند. کهن‌ترین منابع اهل تصوف که تا قرن هفتم به گونه پراکنده از امام یاد کرده‌اند، بر اساس سیر تاریخی تدوین کتب صوفیه، به شرح ذیل است:

#### ۱. تهذیب الأسرار

اولین نویسنده‌ای که در بین صوفیان از امام رضا علیه السلام در کتاب خود یاد کرده، ابوسعید زاهد (م ۴۰۷ق) است. ابوسعید عبدالملک بن محمد خرگوشی، معروف به ابوسعید واعظ و ابوسعید زاهد، از علمای شافعی اهل نیشابور بود.<sup>۱۷</sup>

با اینکه پیش از او ابونصر سراج طوسی (م ۳۷۸ق) صاحب *اللمع فی التصوف*، ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی (م ۳۸۰ هـ ق) صاحب *التعرف لمذهب أهل التصوف* و ابوطالب مکی (م ۳۸۶ق) نویسنده کتاب *قوت القلوب*، از برخی ائمه شیعه یاد کردند، اما هیچ‌کدام، از امام رضا علیه السلام حتی در ضمن یک روایت، نامی نبرده‌اند. با اینکه زهد امام رضا علیه السلام معروف بود،<sup>۱۸</sup> اما شاید ولایتعهدی و حضور در مسند حکومتی، مانع ذکر نام امام شده باشد.

خرگوشی در کتاب *تهذیب الأسرار* که در شمار کهن‌ترین و مهم‌ترین آثار صوفیه قرار دارد و به درخواست یکی از مشایخ صوفیه نگاشته شده، در دو مورد، از امام رضا علیه السلام یاد کرده است؛ اولین مورد، حکایت حمام رفتن امام رضا علیه السلام است که آن را چنین نقل نموده: *عادتاً حمام برای امام غرق می‌شد. روزی فردی وارد حمام شده و از آن رو*

که حمامی در آن لحظه حضور نداشت، امام را به دلیل رنگ تیره پوستش با خدمتکاران اشتباه گرفته و به ایشان امر و نهی کرد. امام نیز هرچه را که او خواست، انجام داد. حمامی بعد از بازگشت و مواجه شدن با این صحنه، از ترس، حمام را ترک کرد.

خرگوشی در پایان این حکایت، عبارتی را از امام نقل می‌کند مبنی بر اینکه حمامی نباید می‌گریخت؛ چراکه او تقصیری نداشت.<sup>۱۹</sup> خرگوشی در آخرین باب از کتاب خود نیز روایتی از امام رضا علیه السلام به نقل از پدر گرامی‌شان نقل کرده است. این روایت، درباره روی آوردن و روی گرداندن دنیا از انسان است.<sup>۲۰</sup>

#### ۲. طبقات الصوفیة

ابوعبدالرحمن محمد بن حسین سلمی (م ۴۱۲ق)، از صوفیان مفسر است. او کتابی مستقل در شرح حال اولیای صوفیه به نام *طبقات الصوفیة* نوشته است که در آن، از امام رضا علیه السلام یاد کرده است.

سلمی، اولین کسی است که به ماجرای اسلام آوردن معروف کرخی به دست امام رضا علیه السلام اشاره می‌کند.<sup>۲۱</sup> چنان که در ادامه خواهد آمد، بسیاری از نویسندگان پس از سلمی، این مطلب را به استناد طبقات او نقل کرده‌اند. وی در کتاب خود، معروف کرخی را مسلمان شده به دست امام رضا علیه السلام وصف کرده که بعد از اسلام آوردن، نگهبانی و درباری حضرت را به عهده گرفته است.<sup>۲۲</sup> همچنین، در زمان خدمتگزاری امام، هنگامی که شیعیان برای دیدار امام هجوم آورده بودند، به دلیل ازدحام جمعیت، پهلوی شکست و در اثر همان شکستگی، از دنیا رفت. وی در بغداد به خاک سپرده شد.<sup>۲۳</sup> این، تنها مطلبی است که سلمی در *طبقات الصوفیة* در مورد امام رضا علیه السلام بیان کرده است. البته بازتاب این گزارش در نقل‌های متصوفه بعد از سلمی، گسترده و قابل توجه است که نمونه آن، نقل این مطلب در *تذکرة الاولیاء عطار* است.<sup>۲۴</sup>

## ۳. آداب الصحبة

این کتاب، دومین اثر سلمی است که در آن از امام رضا علیه السلام یاد نموده است. او در باب آداب هم‌نشینی و حُسن معاشرت، به روایتی از علی بن مهدی بن صدقه (نامعلوم)<sup>۲۵</sup> که از امام رضا علیه السلام نقل کرده، اشاره می‌کند. امام در این روایت، سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد کمک و بخشش پدر به فرزند خویش بیان می‌کند.<sup>۲۶</sup> سلمی در ادامه، دو روایت با سندی مشابه در باب مدح نیکی به همه انسان‌ها، اعم از نیکوکار و فاجر، نقل می‌نماید.<sup>۲۷</sup> او در روایتی که از امام صادق علیه السلام در باب تعریف فتوت آورده، از امام رضا علیه السلام نیز به عنوان یکی از راویان نام می‌برد.<sup>۲۸</sup>

۴. تفسیر الإمام جعفر الصادق علیه السلام

سلمی در کتاب تفسیر الإمام جعفر الصادق علیه السلام، برخی از روایات را مستقیماً از امام صادق علیه السلام نقل کرده است؛ در حالی که در منابع دیگر<sup>۲۹</sup>، نام امام رضا علیه السلام در سلسله اسناد آن روایات قرار دارد؛ اما در این کتاب، سند را به صورت کامل نقل نکرده و از امام رضا علیه السلام و سایر راویان، نام نبرده است.<sup>۳۰</sup>

## ۵. حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء

این کتاب، نوشته ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ق)، کتابی است در شرح حال زاهدان و عابدان. ابونعیم در این کتاب به زندگانی امامان شیعه عنایت داشته و شرح حال تعدادی از ایشان را آورده است. وی در این اثر، از چند امام شیعه در ضمن بزرگان صوفیه نام برده است؛ علی بن ابی طالب،<sup>۳۱</sup> امام حسن،<sup>۳۲</sup> امام زین العابدین،<sup>۳۳</sup> امام باقر<sup>۳۴</sup> و امام صادق علیه السلام.<sup>۳۵</sup> او در این کتاب، از معرفی سائر ائمه و از جمله امام رضا علیه السلام خودداری نموده است. نویسنده از ایشان در ضمن سلسله سند برخی روایات نام برده است؛ ولی به تناسب موضوع کتاب، می‌بایست دست‌کم شرح حال امام حسین، امام کاظم و امام رضا علیه السلام را در بر می‌داشت؛ با این حال، ابونعیم از امام رضا علیه السلام در ضمن پنج روایت، یاد کرده است: روایتی درباره سخت‌ترین کارها که احمد بن عامر طائی (م بعد ۲۶۰ق)<sup>۳۶</sup> از امام

رضا علیه السلام نقل کرده،<sup>۳۷</sup> حدیث سلسله الذهب به نقل ابوالصلت هروی (م ۲۳۶ق) از امام، و در ادامه آن، سخنی از ایشان درباره اخلاص،<sup>۳۸</sup> سند روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مدح سؤال کردن،<sup>۳۹</sup> سخنی از امام رضا علیه السلام در مورد زمان وفات امام صادق علیه السلام<sup>۴۰</sup> و سند روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش شرب خمر.<sup>۴۱</sup> با اینکه ابونعیم اصفهانی در این کتاب از معروف کرخی یاد نموده و مطالب نسبتاً مفصلاً از او نقل کرده،<sup>۴۲</sup> اما اشاره‌ای به دیدار او با امام رضا علیه السلام نداشته است.

### ۶. تاریخ اصبهان

ابونعیم در کتاب دیگر خود، *تاریخ اصبهان* - مشتمل بر معرفی روایتی که به اصفهان سفر کرده‌اند -، سه روایت از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: حدیثی در مورد چپستی ایمان که امام در سفر به نیشابور بیان کرده است،<sup>۴۳</sup> روایت دیگری با سندی مشابه درباره برتری فقاقت بر روایت صیرف<sup>۴۴</sup> و نیز روایتی در مورد حُسن معاشرت با مردم.<sup>۴۵</sup> رویکرد کلی این کتاب، هرچند تاریخ فرهنگی شهر اصفهان و بررسی شرح حال کسانی است که در نشر و گسترش فرهنگ دینی نقش داشته‌اند، با این حال، ابونعیم در گزینش و نقل روایات، بر جنبه‌های اخلاقی و معرفتی آن‌ها تأکید داشته و این‌گونه روایات را نقل کرده است. به همین جهت، روایاتی از امام رضا علیه السلام را برگزیده و در این کتاب پوشش داده است که همسو با همین دیدگاه بوده و مباحث مربوط به تهذیب و تربیت را پی می‌گیرد.

### ۷. رساله قشیریّه

عبدالکریم قشیری (م ۴۶۵ق)، در کتاب خود تنها در شرح حال معروف کرخی از امام رضا علیه السلام یاد کرده است.<sup>۴۶</sup> قشیری، معروف کرخی را از موالی<sup>۴۷</sup> علی بن موسی الرضا علیه السلام معرفی نموده و با اشاره به قولی که از استادش، ابوعلی دقاق (م ۴۰۵ق)<sup>۴۸</sup> شنیده، او را مسلمان شده به دست امام می‌داند. وی در نهایت، معروف را خدمتگزار امام وصف می‌کند.<sup>۴۹</sup>



رساله قشیریه به شرح حال همه امامان شیعه توجه چندانی ندارد و تنها ذکر مختصری از علی بن ابی طالب علیه السلام، علی بن حسین علیه السلام و اشاره ای کوتاهی به نام علی بن موسی الرضا علیه السلام را در کتاب وی می توان یافت. شاید درگیری های فرقه ای شدید رایج در نیشابور آن زمان، در توجه اندک قشیری به امامان شیعه بی تأثیر نباشد.<sup>۵۰</sup>

#### ۸. کشف المحجوب

این کتاب، نوشته ابوالحسن علی بن عثمان هجویری (م ۴۶۵ق)، یکی از قدیمی ترین کتبی است که در تصوف اسلامی به زبان فارسی تألیف شده و بعدها مأخذ بسیاری از کتاب های دیگر قرار گرفته است. نویسنده این کتاب، هرچند به اندازه هم عصر خود، یعنی قشیری، به اهل بیت علیهم السلام بی تفاوت نبوده و به امامان بیشتری توجه کرده، اما در معرفی ایشان، تنها تا امام صادق علیه السلام پیش رفته است.<sup>۵۱</sup>

او برای امام رضا علیه السلام فقط به ذکر تعلق معروف کرخی به آستان حضرت و پرورش او به دست ایشان اکتفا نموده است. البته هجویری به اینکه معروف، موقعیت نیکو و ستودنی نزد امام رضا علیه السلام داشته نیز اشاره می کند.<sup>۵۲</sup>

#### ۹. طبقات الصوفیة

خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ق) در این کتاب، در مورد امام رضا علیه السلام تنها به ماجرای معروف کرخی اشاره کرده و همان سه نکته سابق را در مورد او گفته است: اسلام معروف به دست امام، دربانی بارگاه حضرت و کشته شدن هنگام خدمتگزاری به امام در یکی از ملاقات های مردمی ایشان.<sup>۵۳</sup>

خواجه عبدالله در طبقات الصوفیة که حاصل جلسات وعظ و ارشاد اوست، غیر از نام بردن از امام رضا علیه السلام در معرفی معروف کرخی و سخنانی چند از امام علی علیه السلام، مطلب دیگری در مورد ائمه شیعه علیهم السلام ندارد.

### ۱۰. کیمیای سعادت

ابوحامد غزالی (م ۵۰۵ق) در کیمیای سعادت که آن را برای جمهور مردم نگاشته، تنها داستان حمام را که قبل از او خرگوشی آورده، ذکر کرده است.<sup>۵۴</sup> دو تفاوتی که در بیان غزالی در خصوص نقل خرگوشی دیده می‌شود، یکی مربوط به فارسی‌بودن نثر است و دیگری در مورد محل وقوع داستان. خرگوشی اشاره‌ای به محل حمام نکرده بود؛ اما از برخی قراین که ذکر کرده، مثل خالی کردن حمام طبق معمول و ترسیدن حمامی از اهانت غریبه، برمی‌آید که مربوط به اقامت امام در مرو و دوران ولایتعهدی ایشان است؛ اما غزالی به صراحت گفته است که این ماجرا، در نیشابور اتفاق افتاده است.<sup>۵۵</sup> غزالی این حکایت را در *احیاء علوم الدین* نیز آورده است.<sup>۵۶</sup>

### ۱۱. کشف الأسرار

رشیدالدین میبیدی (م ۵۳۰ق) در این کتاب که بر اساس تفسیر خواجه عبدالله انصاری نوشته شده و منبعی غنی از تفسیر، تأویل، معارف اسلامی، شعر و ادب عربی و فارسی است، در نقل چهار روایت، از امام رضا علیه السلام یاد کرده است: یک روایت در مورد معنای «بسم الله»،<sup>۵۷</sup> روایت دوم در مورد ثواب جهاد و شهادت،<sup>۵۸</sup> سومین روایت در مورد حُسن خُلُق و در نهایت، روایتی در مورد ثواب قرائت سوره زلزال.<sup>۶۰</sup>

### ۱۲. مناقب الأبرار و محاسن الأخیار

ابن خمیس موصلی (م ۵۵۲ق)، فقیه شافعی و شاگرد ابوحامد غزالی نیز در کتاب *مناقب خود* در شرح حال معروف کرخی، همان مطالب نویسندگان پیشین را در باب روابط معروف کرخی و امام رضا علیه السلام آورده است.<sup>۶۱</sup>

### ۱۳. عرائس البیان فی حقائق القرآن

روزبهان بقلی شیرازی (م ۶۰۶ق)، معروف به شیخ شطّاح شافعی، از عرفای اهل فارس بود که از خود کتابی تفسیری با گرایش عرفانی به جای گذاشت. وی در این کتاب که آن را *عرائس البیان فی حقائق القرآن* نامیده، هجده روایت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از

امام رضا علیه السلام نقل کرده که سند آن‌ها تا امام صادق علیه السلام ادامه می‌یابد. مضامین این روایات، همگی در مورد تفسیر و تأویل است. شرح «بسم الله»،<sup>۶۲</sup> مراد از «بیت» در آیه ۱۲۵ سوره بقره،<sup>۶۳</sup> مراد از «صفا» و «مروه» در آیه ۱۵۸ سوره بقره<sup>۶۴</sup> و نیز معنای «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» در آیه ۲۹ سوره نساء،<sup>۶۵</sup> از جمله این روایات رضوی است.

#### ۱۴. تقسیم الخواطر

شیخ شطاح در کتاب *تقسیم الخواطر* که به توضیح اقسام خواطر و بیان حقیقت انسانی پرداخته، تنها یک روایت از امام رضا علیه السلام در مورد خلقت رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر کرده است.<sup>۶۶</sup>

#### ۱۵. شمس المعارف الكبرى

این کتاب، اثر شیخ احمد بن علی بونی (م ۶۲۲ق)، از نامورترین مؤلفان مسلمان در علوم غریبه است که به زبان عربی، درباره ادعیه و جداول و بعضی از طلسمات و ذکر اسمای اعظم الهی و شرح آن‌ها نوشته شده است.<sup>۶۷</sup> نویسنده در این کتاب، عدم بیعت امام رضا علیه السلام با یکی از خلفای عصر را، به علم جفر مستند کرده است. او از خلیفه مورد اشاره نامی نبرده است.<sup>۶۸</sup>

#### ۱۶. تذکرة الأولیاء

این کتاب، اثر منثور عطار نیشابوری (م ۶۲۷ق) است که در شرح احوال و اقوال و بیان حکایات ۹۷ تن از مشایخ صوفیه تا روزگار مؤلف است. *تذکرة الأولیاء* با شرح احوال امام صادق علیه السلام شروع می‌شود و با بیان زندگی و اقوال امام باقر علیه السلام به پایان می‌رسد. کتاب یاد شده که تحت تأثیر منابع عرفانی پیش از خود، مانند: *طبقات الصوفیة سلمی*، *حلیة الأولیاء ابونعیم اصفهانی*، *صفة الصفوة ابن جوزی* (م ۵۹۷ق)، *رساله تفسیریة* و *کشف المحجوب* تألیف شده، از تذکرة‌های مهم عرفانی به شمار می‌رود.<sup>۶۹</sup> غرض اصلی عطار در این کتاب، بیان مسائل تاریخی یا ارائه صیرف شرح حال و دقت در نقل و ضبط وقایع نبوده؛ بلکه عمده هدف وی، نصیحت و موعظه و تمثیل و تهذیب اخلاق بوده است.<sup>۷۰</sup>

عطار در این اثر، بخشی را به امام رضا علیه السلام اختصاص نداده و تنها در دو مورد از امام یاد کرده است؛ یکی در ماجرای معروف کرخی و ذکر اسلام معروف به دست امام، مدح خدمتگزاری به امام از زبان معروف و کشته شدن او در بارگاه امام،<sup>۷۱</sup> و دیگری مصاحبت محمد بن اسلم طوسی (م ۲۲۶ق)، از راویان حدیث سلسله الذهب،<sup>۷۲</sup> با امام رضا علیه السلام در سفر به نیشابور.<sup>۷۳</sup>

آنچه مرور شد، مطالبی بود که تا ربع اول قرن هفتم، در کتب عرفا و صوفیه درباره امام رضا علیه السلام آمده است. این موارد، زمینه را برای توجه بیشتر به امام رضا علیه السلام در منابع بعدی اهل تصوف فراهم کرد؛ تا جایی که در نقل‌های بعدی، دایره مطالب مربوط به امام از این گزینه‌ها فراتر رفت و حتی به حوزه سیاست نیز کشیده شد.

#### زمینه‌های یادکرد از امام رضا علیه السلام

با توجه به اینکه خطه خراسان، یکی از مراکز تصوف اسلامی در قرون نخستین بوده و زهد و صوفیان بسیاری از این منطقه برخاسته‌اند،<sup>۷۴</sup> توجه به امام رضا علیه السلام در آثار صوفیه چندان دور از ذهن نخواهد بود.<sup>۷۵</sup> علاوه بر این، زمینه‌ها و بسترهای دیگری غیر از انتساب امام به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این امر دخیل بوده است. صرف نظر از علاقه ایرانیان به پیامبر و فرزندان او که نسبت به علاقه کوفیان، کمتر رنگ‌وبوی سیاسی داشت و زمینه پاره‌ای از قیام‌ها علیه حاکمیت را فراهم می‌کرد، ویژگی‌های اخلاقی و فردی برجسته‌ای در امام دیده می‌شد. صوفیه نیز با اشاره به همین سجایا، از امام رضا علیه السلام در زمره رجال خود یاد کرده‌اند که در ادامه، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### الف. زهد امام

یکی از ویژگی‌های امام رضا علیه السلام که در میان مردم شهرت داشت، زهد و ساده‌زیستی ایشان بود؛ به عنوان نمونه، درباره رفتار زاهدانه آن حضرت گفته شده:

*ابوالحسن علیه السلام در طول تابستان همواره بر روی یک بوریا، و در طول زمستان بر روی یک لایه کاه می‌نشست. همیشه لباس زیر به تن می‌کرد؛ اما*

هنگامی که به دیدن مردم می‌رفت، بهترین لباسش را می‌پوشید.<sup>۷۶</sup>

زندگی زاهدانه امام، تنها به زمانی که در مدینه به سر می‌برد، منحصر نبود؛ بلکه در دوران حضور در خراسان و ولایتعهدی مأمون (م ۲۱۸ق) نیز ادامه یافت. امام در مدتی که نزد مأمون اقامت داشت، هر وقت با او تنها می‌شد، به موعظه وی می‌پرداخت؛<sup>۷۷</sup> از آن جمله، روایت شده است:

روزی امام دید که غلامی روی دست مأمون آب می‌ریخت تا وضو بگیرد.

امام فرمود: یا امیر المؤمنین! کسی را در عبادت پروردگارت شریک مگردان.<sup>۷۸</sup>

بر اساس همین جنبه زاهدانه حیات امام بود که ورود ایشان به دستگاه حکومت عباسی، تعجب برخی افراد را برانگیخت و آنان را واداشت تا از علت رفتار امام بپرسند.<sup>۷۹</sup> با این حال، وقتی آن حضرت ولیعهد مأمون شد، هیچ توجهی به جنبه قدرت و عظمت آن نداشت؛<sup>۸۰</sup> چنانکه ماجرای نماز عید حضرت،<sup>۸۱</sup> گواه این مطلب است. در نتیجه همین زهد و روح تصوف و وارستگی در امام رضا علیه السلام بود که متصوفه، آن امام را در سلسله اسناد تصوف خود برای خرقه و طریقت قرار داده<sup>۸۲</sup> و پذیرفته‌اند معروف کرخی با وجود اینکه از صوفیان طبقه اول شمرده می‌شود،<sup>۸۳</sup> شاگرد و مرید امام باشد.<sup>۸۴</sup>

### ب. اخلاق کریمانه

اخلاق متواضعانه و بزرگووارانه امام نیز زمینه جذب نگاه صوفیان را ایجاد کرده است. ماجرای حمام‌رفتن امام و برخورد بزرگووارانه ایشان با آن شخص غریبه که به عنوان مدخل ورود نام امام رضا علیه السلام در منابع صوفیه به شمار می‌آید، مورد توجه قرار گرفته است. زیبایی این ماجرا، حتی متصوفه بعد از قرن هفتم را نیز مجذوب خود نموده است.<sup>۸۵</sup>

### ج. جامعیت علمی

جامعیت علمی امام رضا علیه السلام، امری است که از روایات نقل شده درباره شخصیت حضرت، قابل برداشت است. مناظراتی که مأمون با اهداف گوناگون ترتیب می‌داد،<sup>۸۶</sup> یکی از عرصه‌های بروز این خصوصیت امام بود. نمود جامعیت علمی امام، به زمان ولایتعهدی

مأمون منحصر نبود؛ بلکه در زمان حضور ایشان در مدینه نیز سابقه داشته و حضرت، خود نیز پاسخگویی اش به سؤالات در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله را متذکر شده است.<sup>۸۷</sup>

برخی روایات که در کتب مختلف متصوفه نقل شده، از امام رضا علیه السلام به عنوان یکی از راویان میانی نام برده‌اند و مطالبی را به صورت مستقیم از امام نقل نمی‌کنند؛ اما روایاتی که جامعیت ایشان را مفروض دانسته و مطالبی را بدون واسطه از حضرت بیان می‌کنند نیز کم نیستند؛ روایت *حلیة الأولیاء* از امام در مورد اخلاص، نمونه‌ای از آن است.<sup>۸۸</sup> حضور بزرگان صوفیه مانند محمدبن اسلم طوسی (م ۲۲۶ق) در زمان ثبت حدیث *سلسلة الذهب* و اشتیاق آن‌ها برای شنیدن حدیث نیز مؤید این ویژگی است.<sup>۸۹</sup>

#### د. حضور امام در خراسان

حضور امام رضا علیه السلام در مرو و ملاقات برخی بزرگان صوفیه مانند محمدبن اسلم طوسی با امام، و همچنین قرارگرفتن بارگاه امام در نزدیکی نیشابور که یکی از کانون‌های تصوف آن زمان شمرده می‌شد،<sup>۹۰</sup> خود از زمینه‌های جلب توجه اهل تصوف شمرده می‌شود. زندگی در مجاورت امام یا زیارت قبر امام در سفرها، از عواملی بود که مشایخ را به نگارشی هرچند مختصر در مورد امام وا می‌داشت. ابن حبان بستی شافعی (م ۳۵۴ق)،<sup>۹۱</sup> زیارت قبر امام رضا علیه السلام و دعا برای حل مشکلات در کنار قبر حضرت را بسیار مجرب دانسته است. او معتقد است که استجاب دعا در کنار قبر امام را بارها تجربه کرده است.<sup>۹۲</sup>

#### ه. ارتباط معروف کرخی

معروف بن فیروزان، مشهور به معروف کرخی، از بزرگان صوفیه و آخرین پیونددهنده عارفان صوفی با ائمه است؛ به گونه‌ای که پس از او، ارتباطی بین آن‌ها و ائمه ادعا نشده است. کنیه اش ابومحفوظ و مرید داود طائی (م ۱۶۵ق) و استاد سری سقطی (م ۲۵۳ق) بود. او به دست امام رضا علیه السلام اسلام آورد و به ادعای هجویری، در نزد امام علیه السلام سخت عزیز و ستوده بود.<sup>۹۳</sup> صوفیان از او مناقب و فضایل و کرامات فراوانی نقل کرده‌اند.<sup>۹۴</sup>

دیدار معروف کرخی با امام رضا علیه السلام، گذشته از صدق و کذب خبر آن، زمینه ورود نام امام رضا علیه السلام به آثار صوفیه را فراهم کرد. اولین کسی که در مورد معروف کرخی می‌نویسد، سلمی است. او در *طبقات الصوفیه* از معروف در طبقه اول ائمه صوفیه یاد کرده و اسلام او را به دست امام رضا علیه السلام عنوان کرده است.<sup>۹۵</sup> بعد از او، این مطلب در دیگر آثار صوفیه مانند *مناقب الأبرار ابن خمیس*<sup>۹۶</sup> و *تذکره الأولیاء عطار نیشابوری*<sup>۹۷</sup> بازتاب یافته است.

### نتیجه‌گیری

گستره مطالبی که نخستین کتب صوفیه تا ربع اول قرن هفتم، درباره امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند، از دامنه چند موضوع فراتر نرفت:

- ماجرای حمام‌رفتن امام رضا علیه السلام و خدمت ایشان به مرد غریبه؛
- اسلام معروف کرخی به دست امام رضا علیه السلام، خدمتگزاری وی برای امام و کشته‌شدن جین خدمتگزاری؛
- نقل روایاتی از امام رضا علیه السلام در موضوعات مختلف. همچنین، مصاحبت محمدبن‌اسلم طوسی با امام رضا علیه السلام که تنها عطار متذکر آن شده بود.

تمرکز صوفیان این دوره بر زهد و دنیاگریزی و رویگردانی از حاکمان، بیانگر رفتار نویسندگان آثار صوفیه و توجه به ابعاد خاص شخصیتی امام است. بعد از این دوره، روند شرح‌حال امام هشتم در کتب صوفیه، متحول شد و از تفصیل و گسترش بیشتری برخوردار گردید. این روند، متأثر از گسترش تصوف در قرن هفتم و نزدیک‌شدن تصوف به تشیع بود. زهد امام، اخلاق بزرگوارانه او، جامعیت علمی و حضور حضرت در نزدیکی نیشابور که از مراکز تصوف بود، از زمینه‌های گرایش صوفیان به امام رضا علیه السلام شمرده شد. علاوه بر اینکه، ادعای ارتباط معروف کرخی با امام نیز صرف نظر از درستی یا نادرستی آن، زمینه پیوند بیشتر نام امام با اهل تصوف را فراهم نمود؛ تا آنجا که با ظهور صوفیان در عرصه حاکمیت، بعد حکومتی امام نیز مورد توجه آن‌ها قرار گرفت.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. کتاب‌هایی که از تاریخ به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای موعظه و پندگرفتن استفاده می‌کنند، به عنوان کتاب‌های تاریخ ارشادی قلمداد می‌شوند.
۲. ن.ک: پورجوادی، نصرالله، آسمان جان، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۳، ص ۲۲.
۳. همان.
۴. ن.ک: سوری، محمد، «تصویر امامان شیعه در متون زهد و تصوف نخستین»، نصرالله پورجوادی، رساله دکتری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰.
۵. خرگوشی، عبدالملک‌بن محمد، تهذیب الأسرار فی أصول التصوف، تحقیق امام سید محمدعلی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق، ص ۱۹۶.
۶. سلمی، محمدبن حسین، طبقات الصوفیة، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، دوم، ۱۴۲۴ق، ص ۸۲.
۷. پارسا، خواجه محمد، فصل الخطاب، تصحیح جلیل مسگرنژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱، ص ۵۷۷ - ۵۸۷.
۸. جامی، نورالدین عبدالرحمن، شواهد النبوة، تصحیح سید حسن امین، تهران: میرکسری، ۱۳۷۹، ص ۳۸۰ - ۳۹۲.
۹. طهرانی، قاسم، معروف کرخی تلمیذ الامام الرضا علیه السلام واستاد العرفاء، بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۳ق، ص ۲۴۱ - ۵۳۲.
۱۰. شبیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، چهارم، ۱۳۸۵، ص ۶۷.
۱۱. صدوقی سها، منوچهر، «نسبت سلسله‌های صوفیه با ائمه آل‌البتیت علیهم السلام»، کیهان اندیشه، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ش ۴۹، ص ۱۱.
۱۲. ذوالفقاری، حسن، «معروف کرخی»، ادب و زبان فارسی، بهار ۱۳۸۵، ش ۲۴، ص ۱۵۶.



۱۳. وی از حافظان حدیث و مشهور به صلاح بود که شمس‌الدین ذهبی با وصف «مُشرق» از او یاد کرده است. کتابی با عنوان *الإیمان والأعمال* در ردّ کرامیان نوشت. (زرکلی، خیرالدین، *الأعلام*، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۹م، ج ۶، ص ۳۴)
۱۴. اشرف امامی، علی، *امام رضا (علیه السلام) و جریان تصوف و عرفان: ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (علیه السلام)*، گردآوری مرتضی سلیمان‌نژاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۸۱.
۱۵. ن.ک: الگار، حامد، «امام موسی کاظم (علیه السلام) و اخبار اهل تصوف»، معارف، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، ۱۳۷۲، ش ۲۹ و ۳۰، ص ۴۲ - ۵۵.
۱۶. ن.ک: داداش‌نژاد، منصور، «زندگانی دوازده امام (علیهم السلام) در کتاب شواهد النبوة جامی»، تاریخ و فرهنگ، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ش ۸۷، ص ۵۱ - ۶۸.
۱۷. ن.ک: شمس، محمدجواد، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ مدخل «خرگوشی»*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۲، ص ۳۱۷.
۱۸. ن.ک: ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا و دیگران، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۹۶؛ صدوق، محمدبن علی، *عیون أخبار الرضا (علیه السلام)*، تهران: جهان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۹.
۱۹. خرگوشی، پیشین، ص ۱۹۲.
۲۰. همان، ص ۴۷۵.
۲۱. سلمی، *طبقات الصوفیة*، پیشین، ص ۸۲.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. عطار نیشابوری، فریدالدین، *تذکرة الأولیاء*، تصحیح رینولد آلین نیکلسون، لیدن: مطبعه لیدن، ۱۹۰۵م، ج ۱، ص ۲۶۹ - ۲۷۳.

۲۵. علی بن مهدی بن صدقه رقی، سال وفاتش مشخص نیست. شیخ طوسی در رجال خود، وی را از اصحاب امام جواد علیه السلام برشمرده است. نجاشی در رجال، برای او کتابی از امام رضا علیه السلام برشمرده است. ذهبی با وصف قاضی از او یاد کرده است. (شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۵۸۲؛ طوسی، محمدبن حسن، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۶۰؛ نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷۷)
۲۶. سلمی، محمدبن حسین، مجموعه آثار السلمی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۰۴.
۲۷. همان.
۲۸. همان، ص ۲۷۵.
۲۹. ن.ک: بقلی شیرازی، روزبهان، عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۸م، ج ۱، ص ۱۵.
۳۰. همان، ج ۱، ص ۲۱-۲۳.
۳۱. اصفهانی، ابونعیم احمدبن عبدالله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، تحقیق محمدرضا شفیعی کدکنی، قاهره: دار أم القراء للطباعة والنشر، بی تا، ج ۱، ص ۶۱.
۳۲. همان، ج ۲، ص ۳۵.
۳۳. همان، ج ۳، ص ۱۳۳.
۳۴. همان، ص ۱۸۰.
۳۵. همان، ص ۱۹۲.
۳۶. کنیه اش «ابوالجعد» بود. سال ولادت او، ۱۵۷ق بود و تا سال ۲۶۰ق زنده بود. او مؤذن امام رضا علیه السلام بود. طوسی وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام برشمرده است. نجاشی می نویسد: نسخه ای از امام رضا علیه السلام داشت. خطیب بغدادی نیز عنوانی را به وی اختصاص داده است. (طوسی، پیشین، ص ۳۵۱؛ نجاشی،

- پیشین، ص ۱۰۰؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۹۶
۳۷. اصفهانی، پیشین، ج ۱، ص ۸۵.
۳۸. همان، ج ۳، ص ۱۹۲.
۳۹. همان.
۴۰. همان، ص ۱۹۸.
۴۱. همان، ص ۲۰۳.
۴۲. همان، ج ۸، ص ۳۶۰.
۴۳. اصفهانی، ابونعم احمد بن عبدالله، *تاریخ اصبهان* (ذکر أخبار اصبهان)، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۴.
۴۴. همان.
۴۵. همان، ج ۲، ص ۲۷۱.
۴۶. قشیری، عبدالکریم، *الرسالة القشیریة*، تحقیق عبدالحلیم محمود و دیگران، قم: بیدار، ۱۳۷۴، ص ۴۱.
۴۷. مراد از مولی بودن معروف کرخی، همراهی و هم‌نشینی و مؤانست وی با امام رضا علیه السلام است. در اینجا، مولی به معنای اصطلاحی آن، یعنی غلام و برده بودن است، نیست.
۴۸. حسن بن محمد دقاق، معروف به ابوعلی دقاق، از بزرگان صوفیه در نیشابور به شمار می‌رفت. وی دختر خود را به عقد قشیری درآورد. (ن.ک: جامی، عبدالرحمن، *نفحات الأئیس*، تحقیق ولیام ناسولیس و سایرین، کلکته: مطبعه لیسلی، ۱۸۵۸م، ص ۳۲۹)
۴۹. همان.
۵۰. ن.ک: فروزان‌فر، بدیع‌الزمان، *مقدمه رساله قشیریة*، ترجمه ابوعلی عثمانی، تهران: نشر علمی فرهنگی، چهارم، ۱۳۷۴، ص ۳۱ - ۳۴.

۵۱. هجویری، ابوالحسن علی، *کشف المحجوب*، تحقیق ژوکوفسکی و دیگران، تهران: طهوری، چهارم، ۱۳۷۵، ص ۸۵ - ۹۶.
۵۲. همان، ص ۱۴۱.
۵۳. انصاری، عبدالله بن ابی منصور، *طبقات الصوفیه*، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران: توس، ۱۳۶۲، ص ۳۸.
۵۴. غزالی، ابوحامد محمد، *کیمیای سعادت*، تحقیق حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، یازدهم، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۵.
۵۵. همان.
۵۶. غزالی، ابوحامد محمد، *احیاء علوم الدین*، تحقیق عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت: دار الکتاب العربی، بی تا، ج ۸، ص ۱۲۸.
۵۷. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران: امیر کبیر، پنجم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸.
۵۸. همان، ج ۲، ص ۳۴۸.
۵۹. همان، ج ۱۰، ص ۱۸۹.
۶۰. همان، ص ۵۷۷.
۶۱. موصلی، حسین بن نصر، *مناقب الأبرار ومحاسن الأخیار فی طبقات الصوفیه*، تحقیق سعید عبدالفتاح، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۲۰.
۶۲. بقلی شیرازی، پیشین، ص ۱۵.
۶۳. همان، ص ۶۲.
۶۴. همان، ص ۷۰.
۶۵. همان، ص ۲۴۱.

۶۶. بقلی شیرازی، روزبهان، تقسیم الخواطر، تحقیق احمد فرید المزیدی، قاهره: دار الآفاق العربیة، ۱۴۲۸ق، ص ۱۷۸.
۶۷. ن.ک: زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۷۴؛ آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، بیروت: دار الأضواء، ج ۱۴، ص ۲۲۶؛ مدرس، محمدعلی، ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، تهران: خیام، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۸۸.
۶۸. بونی، احمدبن علی، شمس المعارف الکبری، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات، دوم، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۴.
۶۹. دهباشی، مهدی و دیگران، تاریخ تصوف ۱، تهران: سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵.
۷۰. داداش نژاد، منصور، سیمای دوازده امام علیهم السلام در میراث مکتوب اهل سنت، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۶۵.
۷۱. عطار نیشابوری، پیشین، ص ۲۶۹ - ۲۷۳.
۷۲. شریف القرشی، محمدباقر، حیاة الإمام الرضا علیه السلام، قم: سعیدبن جبیر، دوم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷.
۷۳. عطار نیشابوری، پیشین، ص ۲۳۸.
۷۴. ن.ک: صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۵۵؛ راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۲۴۱.
۷۵. حکیم ترمذی (م ح ۲۹۶ق)، از صوفیان بزرگ خراسان، در آثار خود نامی از امام هفتم به بعد، نیاورده است. صرف نظر از اینکه از نگاه او امامان شیعه، نسبت به سایر مردم برتری نداشتند، دیدگاه او در خصوص ائمه و شیعیان، با عناد همراه بوده و چندان مورد توجه صوفیان پس از خودش قرار نگرفته است. (ن.ک: سوری، پیشین، ص ۹۹ - ۱۰۱)
۷۶. صدوق، پیشین، ص ۱۷۸.
۷۷. شبیبی، کامل مصطفی، همبستگی میان تصوف و تشیع، ترجمه علی اکبر شهابی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۲۳۲.

۷۸. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفه، بی تا، ص ۴۵۶.
۷۹. صدوق، پیشین، ص ۱۳۸.
۸۰. شریف القرشی، پیشین، ج ۱، ص ۳۴.
۸۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۶۴.
۸۲. ن.ک: آملی، سید حیدر، *جامع الأسرار ومنبع الأنوار*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۴؛ صدوقی سها، پیشین، ص ۳.
۸۳. سلمی، *طبقات الصوفیه*، پیشین، ص ۸۰.
۸۴. شبیبی، پیشین، ص ۲۳۳؛ ن.ک: سلمی، *طبقات الصوفیه*، پیشین، ص ۸۲.
۸۵. ن.ک: شبیلنجی، مؤمن، *نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار علیهم السلام*، قم: شریف رضی، ص ۳۰۹.
۸۶. صدوق، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۴ - ۲۰۴.
۸۷. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّه فی معرفة الأئمه*، قم: رضی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۸۳۵.
۸۸. اصفهانی، *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء*، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۲.
۸۹. از ویژگی های محمد بن اسلم که عطار بر آن تأکید داشته، رویگردانی او از حاکمان و دنیاگریزی است؛ در حالی که همو از همراهی محمد بن اسلم با امام رضا علیه السلام در سفر نیشابور یاد کرده است. (عطار نیشابوری، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹)
۹۰. شمس، محمد جواد، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*؛ مدخل «تصوف» سده های ۳ - ۵ق / ۹ - ۱۱م، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، ص ۴۰۹.
۹۱. محدثان این دوره، نوعاً یا رسماً صوفی بودند و یا حداقل گرایش صوفیانه داشتند. ابن حبان، ظاهراً از دسته دوم است؛ حتی می توان او را به معنای عام، صوفی دانست. اصولاً تصوف در دامن محدثان و اصحاب حدیث شکل گرفته است.
۹۲. بستنی، محمد بن حبان، *کتاب الثقات*، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص

۹۳. هجویری، پیشین، ص ۱۴۱.
۹۴. عطار نیشابوری، پیشین، ص ۲۶۹.
۹۵. سلمی، طبقات الصوفیة، پیشین، ص ۸۱.
۹۶. موصلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۲۰.
۹۷. عطار نیشابوری، پیشین، ص ۲۶۹ - ۲۷۳.